

## تحلیل انتقادی مبانی و قواعد ضبط المصاحف در جهان اسلام

(بررسی موردی: علامت صداهای کوتاه)

علیرضا سبحانی<sup>۱</sup>

محمد ناصحی<sup>۲</sup>

حسین خوشدل مفرد<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۲، صفحه ۱۳ تا ۴۶ (مقاله پژوهشی)

### چکیده

ابداع علائم سه گانه حرکات کوتاه، ابتدائی ترین نوع ابتکار مسلمانان در راستای خوانش صحیح و محافظت متن قرآن کریم از هرگونه تحریف و تغییری است. با گسترش امر علامت گذاری مصاحف و پیدایش علامات جدید که عموماً به صورت نقطه ترسیم می شد، تفکیک این علائم توسط قاریان دشوارتر می گردید. چاره اندیشی درمورد چالش مذکور موجب گردید تا سرانجام خلیل بن احمد فراهیدی (م ۱۷۰ق)، تحوکی در علامات حرکات کوتاه ایجاد نماید. انتشار علامات ابداعی خلیل در جهان اسلام، به سرعت انجام نپذیرفت و با مخالفت برخی اندیشمندان - که پایبند به افکار و ابداعات سلف بودند - مواجه شد؛ همچنین ساختار شکلی ابداع وی نیز ثابت باقی نماند. به طوری که می توان این تغییرات را در ادوار مختلف و در دو بخش مشرق و مغرب جهان اسلام پیگیری نمود. مقاله پیش رو با روش تحلیلی - کتابخانه ای، ضمن بیان روند شکل گیری انواع شکل علائم حرکات کوتاه در ادوار مختلف، به بررسی شیوه مصحف نگاران مشارقه و مغاربه در نگارش علامات مذکور در قرآن کریم پرداخته است که در نهایت با بررسی پنج گونه از علائم حرکات کوتاه و نیز بررسی شکل علائم تنوین در ادوار و اماکن مختلف روشن گردید، اولاً علائم حرکات کوتاه در طول تاریخ دارای شکلی ثابت نبوده است؛ ثانیاً این علامات در بدو شکل گیری، تنها برای نشان دادن حرکت حروف صامت ابداع شد؛ اما با گذشت زمان، به عنوان علائم کمکی برای نشان دادن حروف مدی نیز مورد استفاده قرار گرفت. بررسی های انجام گرفته در این باره نشان می دهد که استعمال علائم حرکات کوتاه به عنوان علامت کمکی، نه تنها دارای مبنای دقیقی نیست که موجب دشواری خوانش متن نیز گردیده است.

**کلیدواژه ها:** ضبط، علائم حرکات کوتاه، التزام ضبط مشارقه، ضبط مغاربه، قواعد ضبط، علائم کمکی.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

arsobhani97@gmail.com

۲. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران. (نویسنده

مسئول) [dr.mnasehi@gmail.com](mailto:dr.mnasehi@gmail.com)

۳. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

khoshdel75@gmail.com

## درآمد

قرائت قرآن کریم از بدو نزول تا عصر حاضر همواره با چالش‌هایی در مسیر تسهیل خوانش متن آن توسط مسلمانان مواجه بوده است. از این رو در تمامی عصور، اهتمام عالمان و کاتبان قرآن کریم به امر تسهیل خوانش و قرائت متن این کتاب آسمانی، قابل توجه و رؤیت است. این اهتمام به‌طور ویژه، در نحوه نگارش حرکات اصلی (فتحه، ضمه و کسره) و علائم فرعی (همچون: سکون، تشدید، علائم حروف ناخوانا، علائم تجویدی مانند سکت و ابدال) در مصاحف متعدد، مشهود است. در این میان چالش‌هایی همچون گزینش و شیوه نگارش علائم تسهیل‌کننده، همچنین مسأله التزام و یا عدم التزام به ضبط المصحف در مواضع مختلف، همواره محل بحث و بررسی علما و دانشمندان و همچنین کاتبان و ناظران چاپ و نشر مصاحف در بلاد مختلف بوده و به چالشی در تسهیل امر خوانش متن قرآن کریم مبدل گردیده است.

از طرفی التزام و یا عدم التزام به ضبط در نگارش علامات سه‌گانه فتحه، ضمه و کسره در مواضع مختلف همچون وجود آن قبل از حروف مدی، و یا التزام و عدم التزام به نگارش علامت حروف ناخوانا در مصاحف اعصار و ادوار مختلف و بخصوص مصاحف مطبوع عصر حاضر از مهم‌ترین چالش‌های موجود در مسأله علم ضبط می‌باشد.

## طرح مسأله

تحقیق درباره چستی، ماهیت و کاربرد علامات «حرکات کوتاه» در بستر تاریخ از ابتدا تا عصر حاضر، از جمله مسائلی است که تاکنون به صورت مستقل به آن پرداخته نشده، بلکه تنها در برخی نگاهشده‌های زبان‌شناسانه و نیز کتب علوم قرآنی به صورت جزئی و پراکنده به این بحث پرداخته شده است؛ به‌طوری که می‌توان ادعا نمود تاکنون هیچ تحقیق مفصل، محض و جامعی که با رویکرد نقادانه به این دو مبحث پرداخته باشد وجود ندارد. برای نمونه در کتاب *المحکم فی نقط المصاحف*، نوشته عالم قرن پنجم ابو عمرو دانی مطالبی پراکنده درباره علائم حرکات کوتاه بیان گردیده است که البته این کتاب از حیث نقل اقوال پیشینیان و مشاهدات نگارنده تا قرن پنجم هجری درباره فن ضبط اطلاعات مهمی را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. کتاب *أصول الضبط و کیفیتہ علی جهة الاختصار* نوشته ابو داود سلیمان بن نجاح در قرن پنجم هجری است که در آن هم‌پای تألیف دانی به بیان اصول ضبط مصاحف تا قرن پنجم پرداخته شده است.

کتاب دیگری که در این زمینه مطالب دیگری را ارائه نموده *الطراز فی شرح ضبط الخراز*، نگاهشده محمد بن عبدالله تنسی از عالمان قرن نهم است که وی نیز در قالب شرح ابیات قرآن پژوه قرن هشتم، محمد بن محمد خراز (م ۷۱۸ق) - که به *عمده البیان فی الضبط* مشهور می‌باشد، - به مسأله احکام

نگارش علامات سه‌گانه پرداخته است و باید متذکر شد که اهمیت کتاب «الطراز» در فنّ نقط‌القرآن تا جایی است که به عنوان منبعی مهم برای محققان «مَجْمَع مَلِك فَهْد» در عربستان (مصحف‌المدینه المنوره، ۱۴۲۹ق، ۶۰۵) و برخی مراکز مصحف‌نگاری همچون «لجنة مراجعة المصاحف» در مصر (مصحف‌الآزهر الشریف، ۱۳۴۲ق، ۵۲۳) و «لجنة الشعيبة العامة للإعلام» در لیبی (مصحف‌الجماهیریة، ۱۳۹۹ق، «ع») جهت علامت‌گذاری قرآن‌کریم قرار گرفته است.

در میان تألیفات متأخر و معاصر نیز کتاب *دلیل الحیران علی مورد الظمان* نوشته ابراهیم بن احمد مارغنی (م ۱۳۴۹ق) که شرحی است بر کتاب منظومه خراز و در خلال آن به شرح موازین ضبط پرداخته، کتاب *سمیر الطالبین فی رسم و ضبط الكتاب المبین*، تألیف قرآن‌پژوه مصری علی محمد الضبّاع (م ۱۳۸۰ق)، *السیل إلى ضبط کلمات التنزیل*، نوشته احمد محمد أبوزیتحار، *الضبط المصحفی نشأته وتطوره* نگاشته عبدالنواب مرسی الاکرت و *المیسر فی علم رسم المصحف وضبطه* به قلم غانم قدوری الحمد از متفکران معاصر از حیث پرداختن به نگارش علامات سه‌گانه و احکام آن، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است؛ تا جایی که ضبّاع با دسته‌بندی ابواب مربوط به فنّ ضبط، داده‌های جامع و روشنی در رابطه با فنّ ضبط المصحف ارائه می‌دهد. سه کتاب دیگر نیز پس از تعریف حرکات سه‌گانه به بیان مواضع قرار گرفتن این علامات پرداخته و مسائل مربوط به آن را توضیح می‌دهد که البته کتاب اخیر، از حیث تحلیل بر سایر کتب مذکور رجحان دارد.

با این حال همچنان در زمینه سیر تطوّر نگارش علامات کوتاه با رویکرد انتقادی، تحقیقی جامع و همه‌جانبه صورت نپذیرفته است. علاوه بر آن، نبود تحقیقی که به بررسی نقادانه کاربست علامت حرکات کوتاه در مواضع مختلف (همچون التزام به کاربست علامات مذکور همراه با حروف مصوّت) بپردازد و نیز عدم وجود تحقیقی جامع که به‌صورت تفکیکی به سیر تطوّر علامات به کار رفته در مصاحف کتابت شده در نواحی مشارقه و مغاربه پرداخته باشد، از جمله علل پرداختن به این موضوع به شمار می‌رود.

مقاله پیش‌رو در نظر دارد با رویکردی نقادانه به سؤالات زیر پاسخ دهد که:

جایگاه و مواضع حرکات کوتاه در محور زمان چگونه بوده است؟ دیدگاه و آراء اندیشمندان درباره التزام و یا عدم التزام به نگارش علامات حرکات کوتاه قبل از حروف مدّی در مصاحف چگونه است؟ اشکال نگارش علامات کوتاه در مشرق و مغرب جهان اسلام در بستر زمان چگونه بوده است؟ قاعده‌مندی استفاده از علامات حرکات کوتاه قبل از حروف مدّی در مصاحف مختلف در طول تاریخ چگونه بوده است؟

مقاله حاضر در صدد آن است که با تکیه بر روش تحقیق کتابخانه‌ای به بررسی مفاهیم کاربردی این حوزه و پیشینه ضبط المصحف، نگاهی نقادانه بر شیوه‌های نگارش علائم حرکات کوتاه و مواضع استقرار آن‌ها در ادوار و مصاحف مختلف و در نهایت بررسی مسأله التزام یا عدم التزام به نگارش حرکات کوتاه در بستر تاریخ به سؤالات مذکور پاسخ دهد.

### مفهوم شناسی

به‌طور کلی، بحث در شیوه و قواعد کتابت قرآن، در دو حوزه از علوم قرآن، یعنی «رسم المصحف» و «ضبط المصحف» مطرح است. اما آنچه به موضوع مقاله پیش‌رو مرتبط است، حوزه دوّم یعنی ضبط المصحف می‌باشد.

### ضبط المصحف

«ضبط» در لغت، به‌معنای حفظ کردن چیزی، به همراه دقت و احتیاط است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۳۴۰/۷) و در اصطلاح علوم قرآنی، علمی است که به‌وسیله آن، علائمی چون فتحه، ضمّه، کسره، سکون، تشدید، مدّ و... که بر حروف عارض می‌شوند شناخته شده و به آن (شکل) نیز گفته می‌شود (مارغنی، ۱۴۲۶ق، ۳۴۵).

واژه «مصحف» نیز اسم مفعول از ریشه «ص ح ف» (شرتونی، ۱۴۰۳ق، ۶۳۵/۱) و به‌معنای کتابی است که در میان دو جلد قرار گرفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۸۶/۹). اگر چه واژه مصحف و استعمال آن برای اعراب پیش از اسلام، ناشناخته نبود (رامیار، ۱۳۶۹ش، ۱۰) اما اطلاق این نام به کتاب قرآن، در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) صورت پذیرفت (نکونام، ۱۳۸۲ش، ۱۲)؛ از این‌رو، به مرور زمان واژه مصحف تنها به قرآن کریم اطلاق شده و برای متون دیگر از این واژه استفاده نمی‌گردد.<sup>۲</sup>

---

۱. در اشعار زمان جاهلیت، اسفار نصارا «مصحف» نامیده شده است: در یکی از اشعار منسوب به امرؤ القیس چنین آمده است:

«أتت حجج بعدی علیه فأصبحت/ کخط زبور فی مصاحف رهبان» (امرئ القیس، ۱۴۲۵ق، ۱۹۵)

حکیم بن عیاش الاعور الکلبی نیز در سرزنش قوم مضر به علت وجود سجّاح می‌گوید:

«اتوکم بدین قائم و أتیتم/ بمتسخ الآیات فی مصحف طب» (طبری، ۱۴۰۷ق، ۲۷۱/۲)

۲. هرچند از مشتقات این کلمه همچون واژه صحیفه، برای برخی کتب همچون کتاب «صحیفه سجّادیه» استفاده می‌شود؛ اما واژه «مصحف»، مختص کتاب قرآن کریم می‌باشد.

### حرکات سه گانه

علائم حرکات سه گانه یا صداهای کوتاه، شامل سه بخش اصلی می گردد؛ این حرکات عبارتند از: حرکت فتحه، حرکت ضمه و حرکت کسره که به علامات سه گانه معروفند (قادوسی، ۱۴۳۱ق، ۳۹). در ادامه به صورت مختصر به بیان و بررسی هر یک از علامات پرداخته خواهد شد.

#### حرکت فتحه

«فَتْحَه» یا «فَتْح» از ماده (ف ت ح)، به معنای بازکردن و گشودن (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ۱۹۴/۱)، یکی از اقسام اصوات کوتاه است که شمایل آن از حرف الف «ا» گرفته شده (ابن جنی، ۱۴۲۱ق، ۳۳/۱). این علامت، در واقع الف مسطح و مایلی است که از راست به چپ به شکل «ا» کشیده می شود؛ مانند: «کَتَبَ» (ابوزیتجار، ۱۴۳۰ق، ۲۱؛ علامی ۱۳۸۸ش، ۲۱). به نظر می رسد کاربرد اصطلاح فتحه برای این علامت، از معنای لغوی آن اتخاذ شده باشد؛ چرا که هنگام تلفظ حرف مفتوح، دهان و لبها گشوده می شوند.

برای تلفظ علامت فتحه، باید حرف الف را به صورت کوتاه تلفظ نمود؛ از این رو علامت فتحه را «الف صغیره» (به معنای الف کوتاه) نیز می نامند (ابن جنی، ۱۴۲۱ق، ۳۳/۱). لازم به ذکر است که این علامت به شکل مایل و کوچک تر از حرف «ا» نگارش می شود تا با الف اشتباه نشود (علامی، ۱۳۸۸ش، ۲۱).

#### حرکت ضمه

«ضَمَّة» یا «ضَمّ» از ریشه (ض م م)، به معنای جمع کردن و گردآوردن (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۳۵۷/۱۲)، دومین قسم از اقسام اصوات کوتاه است که شمایل آن از حرف «و» گرفته شده (ابن جنی، ۱۴۲۱ق، ۳۳/۱). علامت ضمه، واو کوچکی به شکل «و» است؛ همچون: «صُحُفٌ»؛ از این رو برخی همانند علامت فتحه که آن را الف صغیره می نامیدند، این علامت را نیز «واو صغیره» نامیده اند (ابن جنی، ۱۴۲۱ق، ۳۳/۱). به این علامت، بدان جهت که هنگام تلفظ آن، لبها جمع می شوند، ضمه گفته می شود (الکرملی، ۱۹۲۶م، ۳۳۴/۳۰).

#### حرکت کسره

«کَسْرَه» یا «کَسْر» از ماده (ک س ر)، به معنای شکستن (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ۳۰۶/۱۰)، سومین و آخرین بخش از اقسام اصوات کوتاه است که شمایل آن از حرف «ی» گرفته شده (ابن جنی، ۱۴۲۱ق، ۳۳/۱). علامت کسره، یای کوچکی به شکل «ی» است که پس از حذف نقطه ها و دندانۀ آن، به صورت مایل از راست به چپ کشیده می شود و زیر حرف قرار می گیرد؛ همچون: «سِجِلٌّ» (علامی، ۱۳۸۸ش، ۲۱)؛ هنگام تلفظ علامت کسره، لبها باز و در عین حال پهن و از هم شکسته می شوند.

### پیشینه ضبط المصحف

علم ضبط المصحف به بررسی شیوه علامت گذاری حروف قرآن کریم می‌پردازد. اختلافی نیست که خط عربی پس از ظهور اسلام، به منظور اعراب، علامت گذاری یا «نقط الاعراب» گردید؛ اما در اینکه مبدع این فن چه کسی است اختلاف وجود دارد. در مجموع، شماری از قرآن پژوهان ابوالاسود دوئلی (م ۶۷ یا ۶۹ ق) (ابوالطیب لغوی، ۱۹۵۵ م، ۶-۸؛ اندلسی، ۱۴۲۲ ق، ۵۰/۱؛ دانی، بی تا، ۱۲۹، سیوطی، ۱۴۲۱ ق، ۴۱۸/۲)؛ عدّه‌ای نصر بن عاصم (م ۸۹ ق) (دانی، بی تا، ۱۲۹)؛ برخی حسن بصری (م ۱۱۰ ق) (سیوطی، ۱۴۲۱ ق، ۴۱۸/۲) و جمعی، یحیی بن یعمر (م ۱۲۹ ق) را نخستین مبدع تنقیط کلمات به منظور اعراب می‌دانند (سجستانی، ۱۴۲۳ ق، ۳۲۴).

باید در نظر داشت که در تمامی منابع مذکور که نام سه تن دیگر، غیر از ابوالاسود دوئلی در آن ذکر گردیده است، به اینکه ابوالاسود مبدع ضبط المصحف باشد نیز اذعان گردیده است. بنابراین نمی‌توان اجماع گسترده منابع در اینکه به احتمال زیاد، اوّلین واضع ضبط کلمات قرآن ابوالاسود بوده است را نادیده گرفت (قدوری الحمد، ۱۴۲۵ ق، ۴۱۷). از طرفی در برخی منابع یحیی بن یعمر و نصر بن عاصم از شاگردان ابوالاسود به شمار رفته‌اند (ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق، ۵۴۸/۴؛ همان، ۳۷۶/۵) و به همین علت احتمال آنکه این افراد به دلیل ترویج ابداع استاد خود، اشتباهاً به عنوان مبدع فن ضبط شناخته شده باشند وجود دارد.

نسبت ابداع فن ضبط به حسن بصری نیز با احتمال بسیار ضعیفی همراه است، تا جایی که سیوطی نیز پس از ذکر نام وی به عنوان یکی از احتمالات، صحیح بودن این قول را بعید می‌داند (سیوطی، ۱۴۲۱ ق، ۴۱۸/۲). اما آنچه این انتساب را تضعیف می‌نماید، قولی است که وی را از مخالفان ضبط مصاحف دانسته است (سجستانی، ۱۴۲۳ ق، ۲۴/۳). در نتیجه می‌توان ابوالاسود را اوّلین ضابط قرآن دانست که شاگردانی چون نصر بن عاصم و یحیی بن یعمر کار وی را با نقط مصاحف دیگر با هدف گسترش ابداع وی، ادامه دادند.

ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که با توجه به اینکه سال وفات ابوالاسود دوئلی ۶۷ یا ۶۹ هجری قمری بوده است، از این رو ابداع فن ضبط به سالیانی قبل از این دو سال باز می‌گردد.

با توجه به یافته‌های تاریخی، آغاز و شکل‌گیری ضبط المصحف را می‌توان به دو مرحله تقسیم نمود:

مرحله اوّل که در آن، نخستین نشانه‌ها به جهت علامت گذاری حروف، به صورت نقطه‌هایی که در بالا، مقابل و یا زیر حروف قرار داده شده است. این نقاط در بدو امر تنها به حرکات سه‌گانه و تنوین آن‌ها اختصاص داشت (دانی، بی تا، ۱۲۹). وجه تسمیه نام گذاری فن ضبط، به «نقط الاعراب»

به این نوع از اعراب گذاری باز می‌گردد؛ چرا که در این حالت، علامت گذاری حروف به منظور اعراب، تنها به صورت نقطه انجام می‌گرفت (مارغنی، ۱۴۲۶ق، ۴۸؛ جریمی ۱۴۲۲ق، ۲۹۵). با فرض پذیرش قول راجح میان قرآن پژوهان درباره اولین مبدع ضبط المصحف، مبنی بر اینکه ابوالاسود نخستین ضابط متن مصحف باشد؛ با توجه به قدیمی‌ترین اقوال پیرامون روش کار وی در ضبط می‌توان گفت: طریقه وی در علامت گذاری حرکات کوتاه بدین صورت بود که مردی از قبیله «عبدُ القیس» را از میان سی نفر انتخاب کرد و به او گفت: «مصحف را بگیر و مُرکبی را که رنگ آن بر خلاف رنگ مصحف است تهیه کن، وقتی دو لب خود را باز کردم، یک نقطه روی آن حرف بگذار و وقتی آن‌ها را به هم بستم نقطه را در کنار حروف بگذار و وقتی آن را پایین آوردم نقطه را در زیر حرف قرار بده و در هر کدام از این‌ها اگر غنه‌ای شد، دو نقطه قرار بده و او از اول مصحف شروع کرد تا آن را به پایان رسانید» (ابن انباری، ۱۳۹۰ق، ۴۱/۱).

نقاط به جهت علامت گذاری، با رنگ قرمز در مصحف علامت گذاری می‌گردید تا بدین وسیله نقطه از متن اصلی مصاحف جدا باشد (دانی، ۱۴۰۷ق، ۱۲؛ زنجانی، ۱۴۰۴ق، ۹۸). شکل (۱)، نمونه‌ای از مصحفی است که در آن نقطه‌ای اعراب مطابق با قواعد ابتدائی (مرحله اول) و با رنگ قرمز مشخص گردیده است.

در مرحله دوم، هر یک از حرکات فتحه، ضمه و کسره، دارای شکلی خاص گردید. علاوه بر آن، علامات دیگری نظیر سکون، تشدید و اختلاس نیز در همین مرحله ابداع گردید. مشهور آن است که ابداعات در این مرحله اول بار توسط خلیل بن احمد فراهیدی، ادیب و لغت‌شناس قرن دوم انجام شد (دانی، ۱۴۰۷ق، ۶). توضیح آنکه پس از ابتکار نقطه الاعجام (به معنای نقطه گذاری حروف مشابه) توسط شاگردان ابوالاسود، نگارندگان مصاحف و قاریان در استفاده از دو رنگ برای نقطه گذاری و تشخیص نقاط اعراب و اعجام، دچار مشکل گردیدند. از این رو خلیل با درک چنین شرایطی، برای هر یک از موارد علامات اعرابی و در رأس آن حرکات کوتاه علامتی ابداع نمود تا تمایزی میان نقطه‌ای اعراب و نقطه الاعجام صورت پذیرد (قدوری الحمد، ۱۴۳۳ق، ۲۹۳).

قدیمی‌ترین گزارش از نحوه ابداع خلیل در علامات کوتاه مربوط به قولی است که دانی آن را به واسطه ابن کیسان از ابوالعباس مبرّد نقل می‌کند. وی در توضیح نحوه ضبطی که خلیل آن را ابداع نمود می‌گوید: «(مطابق با ابداع خلیل) ضمه واو کوچکی است که در بالای حرف قرار می‌گیرد؛ تا با واو اصلی اشتباه نشود، و کسره، یک یاء زیر حرف و فتحه به صورت الفی خوابیده در بالای حرف قرار می‌گیرد» (دانی، ۱۴۰۷ق، ۷).

این گزارش، نشان می‌دهد علامتی که خلیل برای حرکت کسره در نظر گرفت، با آنچه امروزه در مصاحف به کار برده می‌شود متفاوت است. وی برای حالت کسره، حرف یاء کوچک را ابداع نمود؛ اما با گذر زمان و احتمالاً به دلیل شلوغی حاصل از وجود حرکت کسره به صورتی که بیان گردید، این حالت منسوخ و حالتی شبیه به آنچه برای فتحه در نظر گرفته شده بود، در زیر حروف نیز به نشانه علامت کسره قرار داده شد.

نوع ابداع خلیل را «اعراب مستطیل» می‌نامند (عقیلی، ۱۴۲۹ق، ۱۱۹؛ سیوطی، ۲/۴۲۰)؛ چرا که علائم حرکات کوتاه در ابداع خلیل در مقایسه با شکل ابداعی ابوالاسود که به صورت دایره ترسیم شده بود، از خطوط صاف و مستطیل شکل، برخوردار بود. در شکل (۲)، مصحف مشهور «ابن بواب» (م ۴۲۳ق) که در آن علائم نگارشی مطابق با مرحله دوم ضبط گردیده است، قابل رؤیت می‌باشد.

#### بررسی ادواری شکل علامات صداهای کوتاه

تحولات فن ضبط المصحف که خاستگاه آن را علائم حرکات صداهای کوتاه تشکیل می‌دهد، می‌توان در ادوار مختلف و در دو بلوک «مشارقه» و «مغاربه»<sup>۱</sup> پیگیری نمود.

#### علامت‌گذاری قرآن در قرن نخست

همانگونه که بیان گردید، نگارش علامات حرکات کوتاه در دو مرحله انجام گردید؛ مطابق با مرحله اول، آنچه مسلم است، ابداع ابوالاسود از همان ابتدا در میان مشارقه مورد توجه قرار گرفت و عالمان و مصحف‌نگاران درباره استعمال آن واکنش نشان دادند. چنانکه **عبدالله ابن عمر**، رأی به کراهت نقط قرآن داده است (دانی، ۱۴۰۷ق، ۱۰). واکنش وی که متوفی سال ۷۳ یا ۷۴ق می‌باشد (ابن سعد، ۴۱۰ق، ۱۴۲/۴)، از نزدیک‌ترین شواهد بر شیوع ضبط متن مصاحف در عصر ابوالاسود

---

۱. مغرب نام سرزمین وسیعی است که از غرب مصر تا اقیانوس اطلس کشیده شده است و شامل کشورهای لیبی، تونس، الجزایر و مراکش می‌باشد و در دوره اسلامی به سه قسمت تقسیم شده است: ۱- مغرب ادنی یا افریقیه که «قیروان» پایتخت سیاسی آن بوده و لیبی و تونس و بخش‌هایی از شرق الجزایر فعلی را در بر می‌گرفته است. ۲- مغرب اوسط: شامل الجزایر کنونی است. ۳- مغرب اقصی که کشور مغرب یا مراکش کنونی را باید منطبق بر آن دانست. در آغاز فتح آن منطقه، مسلمانان، آن را افریقیه - همان نام معروف نزد بیزانس‌ها - می‌نامیدند. در ادامه گسترش فتوحات اسلامی به سمت سواحل اقیانوس اطلس و اندلس، نام افریقیه برای مناطق وسیع فتح شده کوچک بود و از آن زمان، نام مغرب در جغرافیای اسلامی وارد شد. (ناصری طاهری، ۱۳۷۵ش، ۱۹۵) و ظاهراً اصل تقسیم‌بندی مناطق اسلامی به مشرق و مغرب توسط مصری‌ها صورت گرفته است به این ترتیب که آنها آنچه - در هنگام ایستادن به سمت جنوب - سمت راست مصر قرار گیرد مغرب و آنچه سمت چپ آنها قرار گیرد را مشرق می‌نامیده‌اند (حموی، ۱۹۵۷م، ۵۴/۱).



می‌باشد؛ چرا که رأی به ناپسند بودن نقط مصاحف، تنها زمانی ممکن است که این فن ابداع شده باشد.

از طرفی باید توجه داشت که بنابر قول مشهور، ابداع فن ضبط، به درخواست و تحت نظر حکومت وقت، در بصره انجام پذیرفت (ابوالطیب لغوی، ۱۹۵۵م، ۶). از این رو گسترش آنچه ابوالاسود ابداع نمود، در آن وقت و به پشتوانه دستگاه حکومتی، امر مشکل و به دور از عقلی نمی‌باشد. در نتیجه می‌توان با تسامح، شروع و گسترش این فن را در میان مشارقه از همان دوران ابداع (یعنی اواسط قرن اول) دانست.

### علامت‌گذاری قرآن از قرن دوم تا چهارم

با آغاز ابداع ابوالاسود، رفته‌رفته این نوع از اعراب‌گذاری برای صداهای کوتاه گسترش یافته و در نواحی مختلفی از محدوده سرزمین‌های موسوم به مشارقه از قبیل ایران، حجاز و تمامی نواحی عراق امروزی رواج یافت. چنانکه پیش‌تر نیز بیان شد، از رأی «ابن عمر» در رابطه با کراهت ضبط بر می‌آید، در همین دوران اختلاف بر سر التزام و یا عدم التزام استفاده از علامت برای مصحف - که تا آن دوران محدود در علامت‌های کوتاه و تنوین می‌گردید - نیز به عنوان دغدغه‌ای مهم در نگارش مصحف، مطرح بود که در نتیجه این آراء، جامعان مصاحف در برخی نواحی، اقبال کمتری به ضبط المصحف نشان دادند.

یافته‌های تاریخی و نیز اقوال عالمان نشان می‌دهد، ضبط مصاحف به شیوه ابوالاسود تا اوایل قرن چهارم در میان مشارقه و علی‌الخصوص اهل عراق رواج داشت، اما این شیوه از ضبط به مرور منسوخ شد. از این رو عالمی چون ابن مجاهد از دشواری ضبط به روش ابوالاسود که تا آن دوره با اضافاتی همراه شده بود و تشخیص‌های برای خوانندگان و حتی قرار دادن این موارد برای مصحف‌نگاران مشکل شده بود سخن گفته و شیوه خلیل ابن احمد را تحسین و از آن دفاع نموده‌اند. *ابن مجاهد* (م ۳۲۴ق) پس از اشاره به اینکه علامت‌های ابداعی خلیل بن احمد به دلیلی صورت‌های مختلفی که دارد، تأثیر بیشتری در شناسایی حرکات و سایر حالات نگارشی، نسبت به علامت نقطه می‌گذارد، به دو ضعف مهم در شیوه علامت‌گذاری به صورت نقطه پرداخته و می‌گوید: «در نقط به روش ابوالاسود، تمامی موارد نگارشی به صورت دایره هستند، اما در شکل، هر یکی از حرکات ضمه، کسره، فتحه، همزه و تشدید علامتی مختلف دارند. از طرفی در نقط، نیاز به ناظری است که اصول نقطه‌گذاری را بشناسد تا بتواند موارد علامت‌های اعم از ضمه، کسره یا فتحه بودن را تشخیص دهد. علاوه بر این، در نقط‌المصحف برای هر یک از موارد نگارشی که بصورت نقطه علامت‌گذاری شده‌اند رنگی خاص اختصاص داده شده که این رنگ‌ها میان اهل آن اختلاف است و به جهت بزرگی

این علم، کسی جز عالم به فن آن نمی‌تواند مصحف را بخواند و در نتیجه نمی‌تواند بهره‌ای از آن ببرد» (دانی، ۱۴۰۷ق، ۲۳-۲۴).

این قول علاوه بر وجود انتقادات و آسیب‌های روش تنقیط مصاحف و استعمال رو به افول آن در اواخر سده چهارم هجری در میان مشارقه اشاره دارد.

این روش ضبط در برخی مصاحف حجازی (یعنی مصاحف متقدم) و کوفی (یعنی مصاحف مربوط به اواسط قرن دوم به بعد)، قابل رؤیت می‌باشد که در جدول (۱) نمونه‌هایی از آن ذکر گردیده است.

چنانکه در تصویر اول مشاهده می‌شود، تمامی حروف در این مصحف، علامت‌گذاری نگردیده است. این نوع از علامت‌گذاری نشان دهنده کمی نقطه‌گذاری به‌عنوان علائم حرکات کوتاه در مصاحف متقدم، تنها در زمانی است که عدم وجود علامت منجر به ارتکاب خطا در خوانش کلمات شود. به عبارتی دیگر در روش ابوالاسود، اصل، صیانت حروف و کلمات از خطا در قرائت است و اینکه ضابط قرآن نباید در نقطه‌گذاری علائم دچار افراط گردد، به‌طوری که از افراط در نقطه‌گذاری، متن ناخوانا شود. *ابن ابی داود سجستانی* (م ۳۱۶ق) در این باره می‌گوید: «بنای نقط بر اختصار است؛ چرا که اگر قرار بود کاتبان آن‌چنانکه باید، قرآن را علامت‌گذاری می‌کردند خط قرآن تباه و ناخوانا می‌شد» (سجستانی، ۱۴۲۳ق، ۳۳۳).

اما همانگونه که در تصویر دوم مشاهده می‌شود، تمامی حروفی که در آن حرکات کوتاه وجود دارد، نقطه‌گذاری گردیده است. این نوع از نقطه، نشان می‌دهد، با گذر زمان، توهّم تباه و ناخوانا شدن حروف به‌وسیله نقطه‌الإعراب، از بین رفت و تمامی حروف نقطه‌گذاری گردید. بنابراین باید افزود، که فراوانی نگارش علامات به روش ابوالاسود، در ابتدا مختص بعضی از حروف بود و با گذر زمان، این نوع از نقطه به تمامی حروف متحرک، اختصاص یافت.

در رابطه با پیشینه انتشار روش نقطه ابوالاسود در میان مغاربه نیز باید گفت، هرچند کاربست شیوه ابوالاسود در برخی مصاحف متقدم مغاربه قابل رؤیت می‌باشد؛ لکن اطلاع دقیقی از زمان آغاز و گسترش ضبط مصاحف به شیوه ابوالاسود در میان مغاربه وجود ندارد. دانی روایت می‌کند که مصحفی را دیده است که حکیم بن عمران نقطه‌گذار اهل اندلس در سال ۲۲۷ق آنرا نقطه‌گذاری کرده و حرکات را با نقطه‌های قرمز مشخص کرده است (دانی، ۱۴۰۷ق، ۸۷). بنابراین کهن‌ترین قولی که حاکی از انتشار نقطه‌المصحف در میان مغاربه می‌باشد، به قرن سوم باز می‌گردد.

### علامت‌گذاری قرآن از قرن پنجم تا ششم

از طرفی تداوم شیوه نقطه‌گذاری مصاحف در میان مغاربه مطابق با ابداع ابوالاسود، تا نیمه قرن پنجم قابل پیگیری است (قدوری الحمد، رسم‌المصحف، ۱۴۲۵ق، ۴۴۷). چنانکه مصاحف متعددی در قیروان که از جمله بلاد واقع در دایره سرزمین‌های مغاربه به حساب می‌آید، قابل مشاهده می‌باشد (نک: شلبی، ۱۹۸۳م، ۹۲). از این رو احتمال می‌رود نقطه‌المصاحف به این روش نهایتاً تا سده ششم هجری در میان مغاربه رایج و پس از آن روش خلیل بن احمد فراهیدی (م ۱۷۵ق) جایگزین آن شده باشد.

اهتمام به ضبط صداها و کوتاه در میان مشارقه و مغاربه

با تحوّل آشکال نگارش حرکات و ورود فنّ ضبط به مرحله جدید و متفاوتی که خلیل آن را پدید آورد، روش وی اندکی بعد جایگزین روش ابوالاسود گردید. وی این شیوه جدید را در قرن دوم هجری در عراق ابداع نمود؛ اما اختراع و ابداع او در بدو امر، مورد توجه ضابطان و مصحف‌نگاران قرار نگرفت؛ هرچند وی این ابداع را در اثناء قرن دوم انجام داد؛ ولی به نظر می‌رسد، توجه به کار او در میان بلاد شرق ممالک اسلامی آن روزگار، از اواخر قرن سوم به مصاحف راه یافته باشد (قدوری الحمد، ۱۴۲۵ق، ۴۳۹). این کار بیشتر در محیط عراق که مرکز حرکت‌های علمی و لغوی بود انجام پذیرفت (همان).

برای نمونه ابوالحسن بن کیسان از قول محمد بن یزید - مشهور به ابوالعبّاس مُبرّد (م ۲۸۶ق) که لغوی و نحوی برجسته عرب در سده سوم هجری بود و در بلاد مختلفی از عراق همچون بصره و بغداد آن دوران می‌زیست (نک: انباری، ۱۴۰۵ق، ۱۶۴، ۱۷۱ و ۱۷۳)، - می‌گوید: فنّ اعراب‌گذاری مصاحف که امروزه در کتاب‌ها وجود دارد، ابتکار خلیل است و از اشکال حروف گرفته شده است... (دانی، ۱۴۰۷ق، ۷). این نقل شاهدهی است بر اینکه ابتکار خلیل در ضبط لاقول در قرن سوم، میان مردمان عراق از بلاد مشارقه رواج داشته است.

در بلاد مغرب و اندلس نیز ابداع خلیل به سرعت مورد اقبال مصحف‌نگاران واقع نگردید؛ چنانکه حتّی «ابوعمر و دانی» در قرن پنجم و پس از گذشت حدود سه قرن از ابتکار خلیل بن احمد، در بیانات خود همچنان بر ارجحیت بکارگیری نقطه، به روش ابوالاسود اصرار می‌ورزد و می‌گوید: «در مصاحف اصلی، بهتر است از شکل الشعر - یعنی همان شکل و علامت‌هایی که در کتاب‌ها وجود دارد و خلیل آن‌ها را اختراع کرد - استفاده نشود تا با این کار به تابعین - که نقطه‌گذاری را آغاز کرده بودند - اقتدا کرده و از پیشوایان گذشته پیروی کرده باشیم» (نک: دانی، ۱۴۰۷ق، ۲۲).

احتمال دارد دلیل کراهت دانی از بکارگیری ابداع خلیل در مصاحف آن باشد که وی در ابتدا این علامات را در اشعار به کار می‌برد (قدوری الحمد، ۱۴۲۵ق، ۴۳۹) و ظاهراً دلیل اطلاق عنوان «شکل الشعر» به ابتکار خلیل از سوی دانی نیز همین باشد (نک: دانی، ۱۴۰۷ق، ۲۲)، که ترکیبی اضافی از «شکل»، به معنای اعراب و «الشعر» که به معنای ابیات منظم است. اما نکته قابل تأمل درباره وی و به‌طور کل مصحف‌نگاران و قاریان مغاربه آن است که مردمان این نواحی در پذیرش علوم جدید مقاومت بسیاری در طول تاریخ نشان داده‌اند و حتی در طول تاریخ حاضر به تبعیت از رسم الخط جدید و قرائات دیگر نشده‌اند. این نحوه مواجهه، نشانگر رویارویی و مقاومت سخت آنان در برابر ابداع خلیل نیز هست.

ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که ورود روش خلیل در ضبط، به نواحی و بلاد مغاربه جدا از تأخیری که داشت، پس از اندکی با تغییر محسوسی در نگارش علامت ضمه همراه شد؛ بدین صورت که این علامت بر خلاف ابتکار خلیل از حالت مدور الرأس بودن خود خارج و به صورت حرف «د» کج یا معوج نگارش می‌گردید (نک: ابوزیتحار، ۱۴۳۰ق، ۲۱). این تغییر در سبک ضبط کلمات، خود گواهی بر حساسیت شدید مغاربه در مواجهه با علوم و فنون جدید، علی‌الخصوص فن ضبط و اصرار آنان به تمایز در خط و استعمال علامات می‌باشد.

به هر حال قرینه‌ای که به‌طور دقیق، تاریخ ورود و استعمال ابتکار خلیل در مصاحف مغاربه را نشان دهد وجود ندارد. اما با توجه به قول دانی که نشان‌دهنده شیوع و شناخته شدن این فن در زمان و منطقه وی است و او از بکارگیری آن در مصاحف کراهت دارد، نیز با توجه به گزارش هند شلبی از مصاحف مغاربه که استعمال نقطه در مصاحف مغاربه را تا ابتدای قرن پنجم قابل رؤیت می‌داند (شلبی، ۱۹۸۳م، ۹۲)، می‌توان رواج فن ضبط مصاحف به روش خلیل را لااقل به این سالها تقلیل داد.<sup>۱</sup>

---

۱. در موزه «فنون الاسلامیه» واقع در شهر قیروان از کشور تونس، مصحفی مشهور به «مصحف الحاضنه» وجود دارد که کاتب آن، علی بن احمد وراق تونسی (قرن پنجم هجری)، این مصحف را به خط کوفی قیروانی و در سال ۴۱۰ق برای دایه و عمه امیر، معز بن بادیس صنهاجی، به نام «أم ملال، فاطمه الحاضنه» نگاشته بود (نک: عمار، ۱۴۳۱ق، ۶). درباره زندگانی علی بن احمد وراق اطلاعات دقیقی وجود ندارد. برخی وی را به دلیل آنکه به «وراق» شهرت داشته، بغدادی دانسته‌اند؛ چرا که این لقب در میان کاتبان عراق رواج داشته، در حالی که معادل آن در مغاربه «کفّاط» می‌باشد (بوعصب، ۲۰۱۶م، ۲۹). علاوه بر آن نوع خط به کار رفته در مصحف مذکور، به نام کوفی ریحانی اشتهار دارد که بعدها به کوفی قیروانی نیز شهرت یافته است (عمار، ۱۴۳۱ق، ۶). البته بعید نیست که علی بن احمد، به جهت هم زیستی با کاتبان مشرق و بکارگیری خطوط آنان برای نخستین بار در نواحی قیروان از توابع بلاد مغاربه به وراق اشتهار یافته باشد و حتی اینکه خط کوفی ریحانی که اصالتی ایرانی-عراقی دارد، با استعمال وی در مغاربه به کوفی قیروانی مبدل شده باشد.

### شیوه نگارش صداهای کوتاه و تنوین

بررسی شیوه‌های نگارش علائم حرکات در مشرق و مغرب جهان اسلام از ابتدا تا کنون از محورهای اصلی مقاله پیش‌رو و مقدمه‌ای جهت مقایسه و بررسی مصاحف معاصر است. در یک نگاه کلی، محل قرار گرفتن علامات مذکور در حروف با چالش التزام یا عدم التزام به رعایت ضبط المصحف روبرو می‌باشد که پس از بررسی شیوه‌های شکل علامات حرکات کوتاه به آن پرداخته خواهد شد.

هرچند ابداع نمادی به نشانه اعراب کلمات قرآن کریم، چه در مرحله «نقط» و چه در مرحله «شکل»، هر دو در محدوده «مشارقه» و به‌طور دقیق‌تر در منطقه عراق و شهر بصره انجام پذیرفت، اما شیوه نگارش و شکل آن در طول ادوار مختلف دچار تغییرات محسوس و نامحسوسی گردید که بررسی هر یک از آن‌ها لازم است.

با مطالعه و بررسی منابع، شکل علامت حرکات کوتاه و مأخذ آن را می‌توان به ۵ دسته تقسیم نمود:

#### شکل اوّل

ابتدائی‌ترین نوع ضبط، مربوط به نُقاطی است که بنا بر قول مشهور، توسط ابوالاسود دوئلی در سده دوّم هجری ابداع گردید. در این روش، حرکات کوتاه از شکل خاصی برخوردار نیستند؛ بلکه در هر سه حالت، با یک نقطه نشان داده می‌شوند.

در این روش، حرکت هر حرف، تنها با موضع قرارگیری در آن حرف قابل شناسایی است. بدین صورت که برای نشان دادن حروف مفتوح، نقطه‌ای در بالای حرف، برای حروف مکسور، نقطه‌ای در پایین حرف و برای حروف مضموم، نقطه‌ای در بالای حرف قرار داده می‌شد. ضمن آنکه در مواردی که حروف دارای حرکت تنوین بودند، به تناسب حرکت ماقبل «ن» در تنوین، در همان موضع مذکور، از دو نقطه در کنار هم استفاده می‌گردید (نک: سیرافی، ۱۳۷۳ق، ۱۳؛ ابن انباری، ۱۳۹۰ق، ۴۱/۱).

ضمن آنکه در روش فوق، برای نشان دادن علامات ضبط معمولاً از رنگ قرمز ● استفاده می‌شد. در جدول (۲)، چند نمونه از مصاحف که با این روش نقطه‌الاعراب گردیده‌اند، قابل مشاهده می‌باشد.

---

به هر حال اگر اصالت خطاط به قیروانی بودنش اثبات گردد، می‌توان این مصحف را نیز از قرائن آغاز بکارگیری ابتکار خلیل در میان مغاربه دانست.

## شکل دوّم

دوّمین نحوه شکل علامات حرکات کوتاه به ابتکار خلیل بن احمد مربوط است. وی سه علامت َ ِ ُ را به ترتیب برای حرکات فتحه، کسره و ضمه و تنوین آنها را که در واقع تکرار همان علامات می باشد ابداع نمود که این علامات با تغییرات جزئی تا به امروز باقی مانده است. همانگونه که قابل ملاحظه است، علامتی که خلیل برای حرکت کسره ابداع نمود با علامتی که امروزه رایج است، متفاوت است. دانی از قول ابن کیسان و او از مبرد چنین نقل می کند که: «... علامت ضمه، واو کوچکی است روی حرف تا با واو اصلی کلمه اشتباه نشود و علامت کسره یائی است زیر حرف؛ و علامت فتحه یک الف خوابیده و کج روی حرف می باشد...» (دانی، ۱۴۰۷ق، ۷).

این نقل به خوبی نشان می دهد، ابتدائی ترین شکلی که توسط خلیل ابداع گردید، از سیمای حروف مدّی الهام گرفته شده بود. اما به نظر می رسد، صعوبت نگارش علامت کسره به صورت یاء و شلوغی متن بر اثر نگارش پی در پی این علامت و ناخوانا شدن آن از عواملی بود که موجب گردید در همان دوران و به فاصله کمی از ابداع خلیل، این علامت منسوخ و به صورت دیگری نگارش شود.

اما با این حال در برخی متون متأخر از دانی، هنگام توصیف علامت کسره، آن را مأخوذ از یاء دانسته اند. برای نمونه محمد بن محمد خراز (م ۷۱۸ق) درباره نحوه نگارش حرکات کوتاه می گوید: «فتحه بالای حرف است و عبارت است از یک الف کوچک خوابیده، و ضمه به صورت یک واو کوچک در مقابل یا روی حرف شناخته می شود، و نیز کسره به صورت یاء در زیر حرف قرار داده می شود» (خراز، ۱۴۲۷ق، ۳۷).

به نظر می رسد، بیان خراز ناظر به اصالت و مأخذ علائم حرکات باشد، نه نحوه نگارش آنها؛ زیرا در مصاحفی که از قرن هفتم و هشتم -وحتی مصاحف کهنی که از قرن های دوّم و سوّم- باقی مانده، نسخه ای که در آن علامت کسره به صورت یاء ترسیم شده باشد یافت نشد. به همین دلیل نیز می توان احتمال داد، ابتکار خلیل در همان دوران مورد اصلاح قرار گرفت، تا حدّی که این شکل از ضبط علامت کسره، فرصتی برای گسترش نیافت.

اما آنچه غیر قابل انکار است، نقلی است که از وجود چنین ابداعی در ابتکار خلیل بن احمد فراهیدی حکایت می کند (نک دانی، ۱۴۰۷ق، ۷). هرچند نمونه ای از این نوع نگارش در میان مصاحف و حتی کتب اشعار و متون اسلامی به جا مانده از قرون سوّم یافت نشد، با این حال می توان جدول (۳) را برای حرکات سه گانه کوتاه و تنوین هر یک خلیل متصور شد.

## شکل سوّم

شکل سوّم و چهارم در بستر سیر تکامل علامات ابداعی خلیل بن احمد تا به امروز، صورت پذیرفته است؛ شکل نوع سوّم مربوط به روش ترسیم علامت کسره می‌باشد. همانگونه که در شکل نوع دوّم بیان گردید، در ابداع خلیل، علامت کسره، به صورت حرف یاء ترسیم می‌شد؛ اما این نوع از ضبط علامت کسره کمی بعد منسوخ گردید و به جای آن از علامتی مشابه شکل فتحه در مصاحف استفاده گردید. هرچند شباهت علامت کسره به الف، در مصاحف بعدی امری ثابت است؛ اما جهت قرار دادن آن در زیر حرف مکسوره، مورد اختلاف ضابطان و مصحف‌نگاران قرار گرفت؛ تا جایی که برخی آن را به صورت الفی کوچک و مورّب که سر آن به سمت راست می‌باشد ضبط نمودند، برخی رأس آن را به سمت چپ، عده‌ای به صورت افقی و بعضی به شکل عمودی آن را ترسیم نمودند.

درباره علت نحوه ترسیم هر یک از چهار مورد مذکور اطلاع دقیقی در دسترس نیست. اما درباره ضبط این علامت به برخی اشکال مذکور می‌توان احتمالاتی را بیان نمود. از جمله اینکه احتمال دارد ترسیم این علامت به صورت افقی، با اصلاح علامت اولیّه آن یعنی حرف یاء صورت پذیرفته باشد. توضیح آنکه علامتی که خلیل در ابتداء برای کسره در نظر گرفت، حرف یاء بود، اما نه یاء آخر (ی)، بلکه وی از حرف یاء چسبان (یب) علامت کسره را ابداع نمود. مارغنی (م ۱۳۴۹ق) پس از بیان اینکه بعضی از متأخرین بر آنند در نگارش علامت کسره، رأس یاء حذف می‌شود؛ به این مطلب اذعان می‌دارد که در تونس (محل زندگی وی)، نیز این گونه عمل می‌شود، با این تفاوت که رأس یاء به‌طور کامل حذف می‌شود و دو نقطه آن نیز نوشته نمی‌شود و فقط کشیدگی آن باقی می‌ماند (مارغنی، ۱۴۲۶ق، ۳۴۷-۳۴۸). مشابه این عمل بر روی حرکت ضمه انجام شده است که در شکل بعدی توضیح داده خواهد شد و این دلیلی بر آن است که احتمالاً تغییر مذکور در علامت کسره اوّلین بار در این ناحیه انجام گرفته باشد و سپس به دلیل تسهیل بوجود آمده در ضبط این حرکت، موجب رواج آن در میان نواحی مشارقه شده باشد وجود دارد.

ذکر این نکته نیز حایز اهمیت است که هرچند مارغنی از قرآن‌پژوهان متأخر به شمار می‌رود، اما گزارش وی از نحوه شکل علامت کسره در نواحی مغاربه، منحصر در زمان حیاتش نیست؛ چرا که ضبط این علامت در ادوار پیشین نیز به این صورت انجام می‌گرفت و عالمان بسیاری در این باره سخن گفته‌اند. از طرفی مصاحف بسیاری از گذشته وجود دارد که در آن، به چنین روشی در ضبط علامت کسره اتکا شده است. برای نمونه در نسخه مشهور ابن بواب (از کاتبان ایرانی - عراقی) که مربوط به اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم می‌باشد از علامت کسره، به شکل اخیر استفاده گردیده

است. بنابراین حداقل می‌توان گفت مورد اخیر از شکل علامت کسره در قرن چهارم و پس از آن تا امروز رواج داشته است.

درباره استعمال علامت کسره به صورت مورّب با رأس چپ نیز می‌توان احتمال داد که این عمل از سوی کاتبان مغاربه انجام گرفته باشد. چنانکه مصاحف متعدّدی از این ناحیه وجود دارد که در آن علامت کسره به این روش ضبط شده است و در ثانی این روش علامت‌گذاری در نصوص دینی آنان نیز رواج داشته است. برای نمونه در نسخه‌ای از کتاب «الکتاب» سیبویه که در سال ۶۲۹ق در اندلس کتابت گردیده، از همین روش برای علامت‌گذاری کسره استفاده شده است (نک: کاتالوگ موزه اسکوریال: ۱۰۲).

استعمال علامت کسره به صورت عمودی اکثراً در میان مصاحف ترکیه، شمال عراق و ایران به چشم می‌خورد. برای نمونه در مصحف مشهور حافظ الرشیدی کاتب ترک (مطبوع در ۱۴۰۱ق) که در عراق چاپ گردیده است، در مواردی که حرف مدّی یاء بیاید، در زیر حرف ماقبل آن علامت کسره عمودی قرار داده شده است.

در جدول (۴) چهار حالت نگارش علامت کسره (به صورت الف کوچک و مورّبی که رأس آن به سمت راست است، به صورت الف کوچکی که رأس آن به سمت چپ می‌شد، به صورت الف کوچک افقی و به صورت الف عمودی) قابل مشاهده می‌باشد.

### شکل چهارم

شکل چهارم نیز مربوط به نگارش علامت ضمّه می‌باشد که در میان مشرق از ابتدا تا کنون به همان صورت ابداعی خلیل، یعنی به شکل حرف «و» نگارش می‌گردد؛ اما در میان مغاربه، آن را به صورت هلال یا حرف «د» می‌نگارند. ابوزیتحار در این باره چنین می‌گوید: «در مورد ضمّه [که به صورت واو نگاشته می‌شود]، روش مغاربه این است که گردی سر آن را حذف می‌کنند و به شکل یک دال کج در می‌آید.» (ابوزیتحار، ۱۴۳۰ق، ۸).

درباره تاریخ دقیق آغاز شکل مذکور در میان مغاربه اطلاع دقیقی در دسترس نیست. اما این نوع از ضبط علامت ضمّه در بسیاری از مصاحف کهن مغاربه و در ادوار مختلف آمده است که نشان از فراگیری و قدمت آن دارد.

در جدول (۵) دو مورد از ضبط علامت ضمّه به روش مغاربه قابل مشاهده است.

### شکل پنجم

این شکل مربوط به انواع نگارش تنوین‌ها مطابق با ابداع خلیل می‌باشد. در مجموع حروف مُنَوّن (تنوین دار) در این روش، به دو صورت نگارش شده است. در ضبط نوع اول، علامت تنوین به



صورت قاعده مند - یعنی در صورتی که مابعد آن، یکی از حروف اظهار قرار بگیرد - و یا به صورت کلی و بی قاعده، با تکرار منظم علامات حرکات کوتاه ترسیم می گردد.

در ضبط نوع دوم، علامت تنوین با توجه به حرف مابعد خود - در صورتی که یکی از حروف ادغام یا اخفاء قرار گیرد - به صورت نامنظم تکرار و ترسیم می شود. در جدول (۶) موارد ضبط علامات سه گانه مطابق با آنچه بیان شد قابل رؤیت می باشد.

اضافه بر موارد فوق، در برخی مصاحف، برای علامت تنوین ضمه شکلی خاص ابداع گردیده که در ضبط نوع اول استعمال می گردد. در مجموع سه شکل خاص برای علامت تنوین ضمه وجود دارد. شکل اول که امروزه نیز بسیار رواج دارد، متشکل از دو ضمه متقارن می باشد که یکی رو به پایین و دیگری رو به بالا است.

شکل دوم به صورت دو ضمه موازی و روی هم می باشد که این نوع از ضمه تنها در مصاحف مغاربه استعمال می گردد و از گذشته تا کنون در مصاحف آنان ضبط می گردد.

شکل سوم نیز با الهام از ساختمان تنوین که عبارت است از علامت ضمه + سکون ترسیم شده است. بدین شکل که ابتدا علامت ضمه نگاشته و سپس علامت سکون به صورت چسبیده نگارش می شود. این نوع از شکل هرچند در برخی مصاحف مشارقه به چشم می خورد، اما امروزه کمتر مورد استعمال قرار می گیرد. در جدول (۷) علامات مذکور به طور خلاصه قابل رؤیت می باشد.

با توجه به آنچه بیان گردید، می توان نتیجه گرفت، شکل علامات در هیچ دوره و مکانی ثابت نبوده و کاتبان با هدف سهولت قرائت متن، جلوگیری از شلوغی نص آیات و رفع نازیبایی حروف، دست به ابداعاتی در مورد شکل علامات حرکات کوتاه و تنوین زدند.

فارغ از عواملی که موجب تکمیل و اصلاح ابداع خلیل توسط کاتبان و مصحف نگاران گردید، علاماتی که در میان مغاربه رواج یافت، کمتر از علامات ابداعی مشارقه در طول زمان دستخوش تغییر و تحول گردیده است. این عمل هرچند از جهت حفظ میراث هنری و دینی قابل ستایش می باشد، اما موجب باقی ماندن صعوبت خوانش متن قرآن کریم در این نواحی گردیده است.

### مواضع علامت حرکات کوتاه

مواضع قرار گرفتن علامات از حیث روش ضبط، به دو شیوه «نقط» و «شکل» قابل تقسیم است. منظور از نقط، همان نحوه نقطه گذاری حروف به منظور اعراب و منظور از شکل، قرار دادن علامتی است که پس از ابتکار خلیل بوجود آمد.

درباره مواضع قرار گرفتن علامات حرکات سه گانه به شیوه نقط، دو روش برای تعیین مواضع ضبط حرکات وجود دارد؛ روش اول و مشهور همان است که دانی آن را چنین نقل نموده است: «بدان

که... محلّ [اسقرار علامت] فتحه بالای حرف است چون فتحه میل به بالا دارد [و اصطلاحاً علوی می‌باشد]؛ محل کسره زیر حرف است، چون کسره سُقلی است [و هنگام بیان میل به پایین دارد]؛ محل ضمّه نیز وسط یا مقابل حرف است، زیرا که وقتی فتحه در بالا [حرف] و کسره در زیر [حرف] واقع شد، تنها وسط حرف باقی می‌ماند و همان، محل ضمّه است. پس وقتی خواستی (الحمد لله) را نقطه‌گذاری کنی، جهت فتحه نقطه‌ای به رنگ قرمز روی «حاء» و جهت ضمّه نقطه‌ای به رنگ قرمز در خود دال یا مقابل آن (به انتخاب نقطه‌گذار) و برای کسره نقطه‌ای به رنگ قرمز زیر «لام» و هاء قرار می‌دهی، و این عمل با سایر حروف متحرک نیز انجام می‌گیرد، خواه حرکت اعراب یا حرکت بناء و یا حرکت عارضی باشد» (دانی، ۱۴۰۷ق، ۴۲). سخن دانی از این شیوه نقطه در منابع قدیمی‌تری نیز با همین کیفیت بیان شده است (نک: سیرافی، ۱۳۷۳ق، ۱۳؛ ابن انباری، ۱۳۹۰ق، ۱/۱)، که نشان دهنده شهرت و رواج این روش در میان نقاط بلاد مختلف می‌باشد.

اما در روش دوم، موضع قرار گرفتن علامت ضمّه و فتحه جا بجا گردیده است. ابن‌اشته در این باره می‌گوید: «در مصحف اسماعیل القسط (م ۱۷۰ق) پیشوای اهل مکه، ضمّه را بالای حرف و فتحه را مقابل حرف دیدیم که برعکس نقطه‌گذاری مردم است» (دانی، ۱۴۰۷ق، ۸-۹).

اگر نقطه‌هایی که ابوالاسود به کار می‌برد، شیوه‌ای متغیّر برای شناخت اعراب‌ها باشد، بعید نیست که اسماعیل القسط جای فتحه را با ضمّه به شکلی که خود از محل و معنای نقاط اطلاع داشت، عوض کرده باشد، چون خود او می‌دانست که چه نقطه‌ای به کدام حرکت دلالت می‌کند و روش او در اساس از روش ابوالاسود خارج نبوده است (قدوری الحمد، ۱۴۲۵ق، ۴۲۱). مضافاً اینکه چنین روشی از نقطه‌آنگذر پایدار نماند که بعدها به‌عنوان روش نقطه‌اهالی مکه شناخته شود. چنانکه امروزه مصاحفی که به این روش نقطه شده باشند را نمی‌توان یافت.

اما مواضع قرار گرفتن علامت حرکات کوتاه به شیوه‌ای که خلیل پایه‌گذار آن است از دو جهت قابل بررسی می‌باشد. جهت اول که به بررسی موضع قرار گرفتن علائم حرکات کوتاه در حرفی که مابعد آن یکی از حروف مدّی قرار نگرفته باشد می‌پردازد و جهت دوم که موضع استقرار این علامات قبل از حروف مدّی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

علامت حرکات کوتاه در حرفی که مابعد آن یکی از حروف مدّی قرار نگرفته باشد، به صورت‌های زیر انجام می‌پذیرد:

علامات فتحه و ضمّه بالا و روی حرف قرار می‌گیرد. برخی نیز گفته‌اند که علامت فتحه، جلو و علامت ضمّه در داخل حرف گذاشته می‌شود (نک: ابوزیتجار، ۱۴۳۰ق، ۲۱)، که این قول ضعیفی است؛ برخی یکی از مواضع علامت ضمّه را مقابل حرف دانسته‌اند (همان؛ علامی، ۱۳۸۸ش، ۲۲)؛

هرچند نمونه‌ای از این نوع ضبط یافت نشد اما با فرض صحّت قول مذکور، می‌توان احتمال داد که علت چنین نوع نگارشی، الهام یا تبعیت از روش ابوالاسود باشد. علامت کسره نیز بنابر اتفاق نظر جمهور قرآن‌پژوهان در زیر حرف قرار می‌گیرد.

اما در جهت دوّم که مربوط به موضع استقرار این علامات قبل از حروف مدّی به‌عنوان علائم کمکی می‌باشد، باید گفت که در بسیاری از مصاحف و حتّی در مصحفی با قدمت قرآنی که ابن بواب آن را نگاشت، بر بالا و یا زیر حروفی که مابعدشان یکی از حروف مدّی (ا، و، ی) باشد، علامتی به تناسب آن حرف مدّی قرار می‌گیرد. برای مثال در کلمه‌ای مانند «ایلاف»، حرف همزه بدلیل وجود حرف مدّی «یا»، علامت کسره و حرف لام نیز به دلیل وجود حرف مدّی «الف» در مابعدش، علامت فته می‌گیرد.

دلیل و اهمّیت نگارش حرکات کوتاه، و نیز التزام و عدم التزام به نگارش آن به صورت کلی و در مورد اخیر به‌طور ویژه، از مباحثی است که در بخش ذیل بدان پرداخته می‌شود.

### مسأله التزام و عدم التزام به ضبط حرکات کوتاه

مسأله التزام به تنقیط و نگارش حرکات کوتاه و یا عدم نیاز به ملزم بودن به رعایت ضبط المصحف یکی از چالش‌های مهم در تاریخ علم ضبط به شمار می‌آید. سؤال مبتدی در این بخش آن است که آیا علامت‌گذاری همه حروف موجب سهولت در خوانش متن قرآن می‌گردد؟! سؤال دوّم نیز آن است که نگارش علامت حرکات کوتاه در مواردی که مابعدشان یکی از حروف مدّی می‌آید، چه تأثیری در سهولت قرائت نص قرآن دارد؟ آنچه در ادامه بدان پرداخته می‌شود با رویکرد دریافت پاسخی درباره دو سؤال مذکور می‌باشد:

### التزام و عدم التزام نقط‌المصاحف در بستر تاریخ

ابداع علامت حرکات کوتاه توسط ابوالاسود در عین حال که مورد موافقت بسیاری از عالمان قرار گرفت، مخالفانی نیز داشت. برخی همچون ابن عمر، حسن بصری و ابن سیرین در همان ابتداء، به مخالفت آشکار با ضبط مصاحف پرداختند (سجستانی، ۱۴۲۳ق، ۳۲۵). چنین مخالفتی به دور از عقل نیست. چرا که صیانت از متن قرآن و جلوگیری از هر گونه کم و زیاد شدن چیزی به آن، در نگاه اوّل امری طبیعی در آن دوران به شما می‌رفت. از این رو برخی عالمان همچون ابن سیرین به صراحت، علت کراهتشان از نقط‌المصاحف را، ترس از زیادت در حروف و معانی قرآن و به تعبیری، راه‌یابی تحریف به ساحت متن مقدس قرآن ذکر نموده‌اند (همان، ۳۲۵). اما با گذر زمان مشخص شد، که نقط‌المصاحف چه به نیت اعراب و چه به جهت اعجام، موجب زیادت حروف نمی‌شود، بلکه با این دو فنّ می‌توان گونه‌های مختلف قرائت کلمه‌ای که از جهت ساختاری واحد است را

مشخص و معین نمود. این عمل نه تنها موجب تحریف متن نگردیده، که ساحت قرآن را از احتمال تحریف به وسیله تحمیل خوانش‌های فردی به آیات دور می‌نماید. از این رو پس از مدتی، دیدگاه ناپسند بودن نقطه‌الإعراب، به لزوم آن در نظر عالمان و قرآن‌پژوهان مبدل گردید. به طوری که امروزه، هیچ عالمی در سراسر جهان اسلام، مخالف نقطه‌الإعراب قرآن کریم نمی‌باشد.

اما درباره‌ی میزان استفاده از حرکات کوتاه در تمامی یا بعضی از حروف، به شیوه ابوالاسود دو دیدگاه وجود دارد. برخی قرآن‌پژوهان علامت‌گذاری تمامی حروف را لازم دانسته‌اند. ابو عمرو دانی از عالمان قرن پنجم از طرفداران این نظر می‌باشد. وی در این باره می‌گوید:

«از آنجا که هدف از نقطه مصاحف، تصحیح قرائت و ادای صحیح حروف است تا بدین طریق، قرآن همان‌طور فراگرفته شود که از سوی خداوند نازل شده و از پیامبر اکرم، صحابه و اهل فن نقل شده است، از این رو باید در علامت‌گذاری، حق هر حرف ادا شود و حرکت، سکون، تشدید، مد، همزه و علامات دیگر، نوشته شود و نباید تنها به برخی از این علایم اکتفا نمود» (دانی، ۱۴۰۷ق، ۵۶).

آنچه دانی بیان نموده، هرچند تنها در شکل علایم حروف کوتاه محصور نیست، اما از قول وی چنین بر می‌آید که مقصودش نگارش حرکات کوتاه تمامی حروف باشد؛ زیرا همان‌طور که بیان گردید، دانی معتقد است که باید در ضبط مصاحف، حق تمامی حروف ادا شود. از این رو با تکیه بر این دیدگاه باید تمامی حروف از جهت اعراب نیز علامت‌گذاری شود.

مطابق با دیدگاه دوم، علامت‌گذاری تمامی حروف لازم نبوده و تنها حروفی را باید علامت‌گذاری نمود که در صورت عدم وجودشان، امکان اشتباه در قرائت کلمه‌ای به وجود آید. عالمانی چون ابن مجاهد (دانی، ۱۴۰۷ق، ۲۳)، ابن منادی (همان، ۲۱۰) و ابن درستی (قلقشندی، ۱۹۸۷م، ۱۶۶/۳) را می‌توان از قائلان به این دیدگاه دانست.

دانی درباره‌ی نظر این دسته از عالمان می‌گوید: «بیشتر آن‌ها (یعنی دسته مذکور که قائل به اختصار نقطه‌الإعراب هستند)، در علامت‌گذاری، به اواخر کلمات که محل اعراب است اکتفاء نموده‌اند، زیرا در این موضع (یعنی آخرین حرف در هر کلمه) امکان به وجود آمدن اشکال و اشتباه سهوی وجود دارد» (دانی، ۱۴۰۷ق، ۲۱۰).

بنابراین التزام به نقطه مصاحف، فارغ از مخالفانی که داشت، در نظر بسیاری از قرآن‌پژوهان تنها مختص برخی حروف بود تا هم بدین وسیله از شلوغی متن جلوگیری شود و هم از استفاده مفرط درج علامت در مواردی که خوانش آن واضح است اجتناب گردد. با این حال در بسیاری از مصاحف،

تنقیط حروف به‌طور کامل انجام شده است که نشان می‌دهد با گذشت زمان، نیاز به اعراب تمامی حروف جهت رفع هرگونه ابهام در متن، الزامی است.

### التزام و عدم التزام ضبط حرکات کوتاه بر حروف صداهای کشیده (ا، و، ی)

همانطور که پیش‌تر بیان گردید، ابداع خلیل در بدو امر مخالفانی داشت و برخی بدان جهت که این علامات در بدو امر در اشعار مورد استفاده قرار می‌گرفت با استعمال آن در قرآن مخالف بودند. از این رو گسترش ابداع خلیل در میان ضابطان قرآن‌کریم در همان ابتدا مورد پذیرش قرار نگرفت؛ ولی به مرور زمان، عوامل بسیاری موجب تغییر رویه مخالفت عالمان نسبت به ضبط علائم گردید. علائم ابداعی خلیل با نقاط دیگر مستعمل در متن، متفاوت بود و امکان تشخیص راحت‌تر اعراب را برای قاریان فراهم می‌نمود. از طرفی ضبط خلیل در راستای هدف ابوالاسود، که حفظ متن قرآن‌کریم از هر گونه خطا و تحریف در خوانش بود، انجام گرفت.

به همین دلیل ضبط به شیوه خلیل هرچند در بدو امر با مخالف عده اندکی از عالمان همراه بود، اما با مرور زمان و گسترش شیوه ابداعی وی در سرزمین‌های اسلامی، این کراهت به التزام مبدل گردید، تا جایی که امروزه دیدگاه جمهور قرآن‌پژوهان بر التزام ضبط تمامی حروف قرآن می‌باشند. تقریباً می‌توان گفت، که درباره‌ی التزام به ضبط حرکات کوتاه تمامی حروف، میان عالمان، اختلافی وجود ندارد و کسی قائل به ضبط برخی از حروف نیست؛ تنها تفاوتی که در این‌باره وجود دارد مربوط به نگارش علامات مذکور در حروف مقطعه می‌باشد. توضیح آنکه اکثر مشارقه، هنگام نوشتن حروف مقطعه، از نگارش علایم فتنه، ضمه و کسره خودداری می‌کنند؛ اما برخی مغاربه هنگام نگارش حروف مقطعه، این علایم را به کار می‌برند. برای نمونه به جدول (۸) مراجعه شود.

### التزام و عدم التزام استعمال علایم کمکی حرکات کوتاه همراه با حروف مدّی

در بسیاری مصاحف، از گذشته تاکنون قبل از صداهای مدّی (حرکات کشیده) علامتی از علامات حرکات کوتاه، متناسب با آن حرف مدّی در حرف ماقبلش قرار می‌دادند؛ به‌طوری که قرار دادن علامت حرکات کوتاه در این موضع، به‌عنوان قاعده‌ای در ضبط‌المصحف میان تمامی مصحف‌نگاران، به مثابه امری پذیرفته شده و بدیهی بوده است. از قدیمی‌ترین نسخه‌هایی که چنین نوع از نگارش

۱. در میان مشارقه هرچند قالب مصحف‌نگاران حروف مقطعه را علامت‌گذاری نمی‌نمودند، اما در عین حال چنین عملی در برخی مصاحف (همچون مصحف مشهور ابن بواب) قابل رؤیت می‌باشد.

۲. به نظر می‌رسد مصاحفی که میان مغاربه در دو قرن اخیر طبع می‌شود، از شاخصه اعراب حروف مقطعه برخوردار باشد. زیرا چنین حالتی در مصاحف کهن به جای مانده از این نواحی (همچون مصحف مشهور سنوسی) عاری از هرگونه اعراب برای حروف مقطعه می‌باشد.

علامات در آن متداول بوده است، می‌توان به دو مصحف مشهور ابن بواب و حاضنه اشاره نمود. اما در یک نگاه کلی پیرامون استفاده از علایم و حرکات همراه صداهای کشیده و عدم استفاده از آنها در مصاحف معاصر دو نظر وجود دارد:

الف) برخی استفاده از علایم و حرکات همراه صداهای کشیده را لازم می‌دانند؛ چنانکه در تمام شیوه‌های ضبط رایج در کشورهای اسلامی اعم از شیوه‌های رایج در کشورهای مانند هند، مصر، ایران و ترکیه برای نشان دادن حرکات کشیده از علایم همراه استفاده شده است.

این شیوه بر اساس یک توجیه بنا شده است. از نظر علمای صرف قدیم، صدای «آ» عبارت است از الف ساکن ما قبل مفتوح، و صدای «ای» عبارت است از یاء ساکن ما قبل مکسور و صدای «او» عبارت است از واو ساکن ما قبل مضموم (برای نمونه رک انیس، ۱۹۹۵م، ۳۷ - ۳۹) از این رو در این روش، پیش از حرف الف، فتحه و پیش از حرف یاء، کسره و پیش از حرف واو، ضمّه نوشته شده است. در روش هندی برای نشان دادن نظر فوق، بر روی این واو و یاء، علامت سکون نیز قرار گرفته است (سیف، ۱۳۸۳ش، ۴۷). در شیوه مصری و بسیاری از مصاحف کشورهای اسلامی نیز، قرار دادن فتحه در کنار الف کشیده یا کوتاه برای نشان دادن «الف»، از همین قبیل است. برای نمونه در جدول (۹) شیوه رایج در مصاحف رسمی و غیر رسمی بلاد مختلف در کاربست نگارش علائم کمکی مشهود می‌باشد.

ب) در مقابل نظر موافقان، بسیاری از علمای گذشته در منطقه مشرق با استفاده از علایم و حرکات همراه صداهای کشیده، مخالف بودند. برای نمونه «ابن منادی» پس از تشریح شیوه قرار دادن علامت کمکی برای حروف مدّی، اذعان می‌دارد که «بیشتر اعراب گذاران برای این گونه موارد، نقطه‌ای در نظر نمی‌گیرند». (دانی، ۱۴۰۷ق، ۲۱۶) احمد بن جعفر، معروف به *ابن منادی* از عالمان بغداد و متوفای سال ۳۳۶ق می‌باشد (نک: خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ق، ۱۱۲/۵)؛ بنابراین دیدگاه، وی در خصوص کاربست علائم کمکی توسط کاتبان قرآن کریم در مشرق ناظر به دوران حیات وی (یعنی قرون سوم و چهارم) می‌باشد.

دیدگاه وی در میان برخی زبان‌شناسان معاصر نیز، موافقانی دارد. برای نمونه، ابراهیم انیس بر این باور است که شکل‌های (ا، و، ی) علاوه بر آن که برای نشان دادن حروف صامت به کار می‌روند، نشان دهنده مصوت‌های بلند نیز می‌باشند. وی می‌نویسد: «گذشتگان راه صحیح را گم کردند، چراکه گمان بردند پیش از حروف مدّی، حرکات کوتاه قرار دارد» (انیس، ۱۹۹۵م، ۳۹). وی سپس مطابق با این دیدگاه (به ظاهر غلط)، مثالی را بیان می‌دارد و می‌گوید: «برای نمونه در کلمه‌ای مانند «کتاب»، حرف (تاء) فتحه قرار داده می‌شود؛ کلمه «کریم» نیز حرف (راء) همراه با علامت کسره می‌باشد و

در کلمه «يقول» روی حرف (قاف) علامت ضمّه گذاشته می‌شود. اما حقیقت آن است که در این موارد، حرکت کوتاهی وجود ندارد، بلکه حرکت (تاء) در «کتاب»، تنها الف مدّی است (و (راء) و (قاف) در دو مورد دیگر به ترتیب یاء و واو مدّی هستند)» (همان، ۳۹).

در مجموع، این دیدگاه که حروف (الف، یاء و واو)، به تنهایی و بدون علائم کمکی، نمادی برای مصوّت‌های بلند «آ»، «ای» و «او» به شمار می‌روند، نزد بسیاری از زبان‌شناسان معاصر مورد تأیید می‌باشد (برای نمونه: شاهین، ۱۹۶۶م، ۲۳؛ بشر، ۱۹۸۶م، ۱۰۲؛ ستوده‌نیا، ۱۳۷۸ش، ۵۷-۵۸).

اما دیدگاه فوق که مؤید و مدافع دیدگاه عدم التزام به نگارش علائم کمکی حرکات کوتاه برای حروف مدّی می‌باشد، تنها علت مخالفت با التزام به ضبط در شیوه مذکور نیست؛ بلکه به کارگیری علامت حرکات کوتاه به عنوان علائم کمکی در نگارش حروف مدّی، موجب شلوغی بیش از حد مصاحف نیز گردیده است. این امر هرچند موجب زیبایی ظاهری خط می‌شود، اما از آنجا که تمرکز قاریان متن را به خود جلب می‌نماید، موجب صعوبت و دشواری در خوانش متن نیز می‌گردد.

از طرفی برای مسلمانانی که به زبان عربی تسلط ندارند و اساساً زبانشان عربی نیست، روخوانی و مواجهه با چنین شیوه‌ای دشوار خواهد بود کما اینکه آموزش این شیوه نیز به غیرعرب زبانان کار دشواری می‌باشد. بنابراین عدم التزام به روش مذکور در سهولت هر چه بیشتر خوانش متن مصاحف کمک می‌نماید.

در میان مجامع اسلامی که به چاپ و نشر قرآن کریم می‌پردازند، یکی از مراکزی که در زمینه تسهیل در خوانش متن قرآن کریم گام نسبتاً جدیدی برداشته است، «مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران» می‌باشد. این مرکز با هدف ایجاد روشی در علامت‌گذاری قرآن کریم که آموزش و قرائت آن از روش‌های موجود در مصاحف دیگر، راحت‌تر باشد، اقدام به تهیه مصحفی کم علامت نموده است که در آن به موضوع فوق نیز توجه گردیده و این علامات در آن حذف شده است. در پایان در جدول (۱۰) نمونه‌ای از این مصحف که در آن علائم کمکی در هر سه حالت مدّی حذف گردیده است قابل مشاهده می‌باشد.

#### نتیجه

ضبط حرکات کوتاه در دو مرحله کلی انجام گرفت. مرحله اوّل که تنقیط حروف به منظور اعراب‌گذاری حروف و مرحله دوّم که با ترسیم و اختصاص علامات خاص به حرکات سه‌گانه اصلی انجام پذیرفت. در نتیجه آنچه در رابطه با تاریخ ضبط المصحف قابل ارزیابی و تحلیل می‌باشد، از مرحله نخست آغاز می‌گردد.

تنقیط مصاحف به روش ابوالاسود اگرچه در همان ابتدا مورد توجه عالمان قرار گرفت؛ اما گسترش آن در بلاد مشارقه از اواسط قرن دوم آغاز و تا اواخر سده چهارم هجری وجود داشت. از این دوره به بعد، روش وی، منسوخ و ابداع خلیل جایگزین آن گردید. اصلی‌ترین عامل جبهه‌گیری ابتدائی عالمان با ابداع ابوالاسود، ترس از تحریف قرآن بود. هرچند ترس از این مسأله کمی بعد مرتفع گردید. تنقیط حروف به منظور اعراب، در آغاز به همه حروف اختصاص نداشت، بلکه تنها حروفی که با عدم علامت‌گذاری آن، احتمال اشتباه در خوانش کلمه بوجود می‌آمد، نقطه‌گذاری می‌گردید. اما بعدها تنقیط به منظور اعراب به تمامی حروف متحرک اختصاص داده شد.

تنها علامتی که در طول ادوار مختلف دچار تغییر نشد، علامت فتحه بود و علامات کسره و ضمه در طول زمان و در مناطق مختلف به اشکال مختلفی ضبط گردید. علامت کسره با بیشترین تنوع، یعنی به چهار حالت مختلف ضبط شده است؛ علامت ضمه به دو روش و تئوین آن نیز به سه صورت در میان مشارقه و مغاربه ترسیم گردیده است. استفاده از علائم حرکات کوتاه به‌عنوان علائم کمکی برای حروف مدی، هرچند حدود ۱۰ قرن قدمت دارد، اما اوکلا علت استعمال آن در مصاحف، مبنای دقیقی ندارد و ثانیاً استعمال آن موجب شلوغی و دشواری خوانش متن برای قرآن آموزان مبتدی و غیر عرب زبانان می‌گردد که باید از به کار بردن آن در مصاحف خودداری شود.

#### منابع

#### قرآن کریم

#### منابع فارسی

۱. رامیار، محمود (۱۳۶۹ش)، *تاریخ قرآن*، تهران، امیرکبیر.
۲. ستوده‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۸ش)، *بررسی تطبیقی میان علم تجوید و آواشناسی*، تهران، نشر رایزن.
۳. سیف، مهدی (۱۳۸۳ش)، *شیوه‌ای نو در اعراب‌گذاری قرآن کریم*، رشد آموزش قرآن، تهران، شماره ۵.
۴. غلامی، ابوالفضل (۱۳۸۸ش)، *آشنایی با ضبط المصحف (علامت‌گذاری قرآن کریم)*، تهران، انتشارات دانشکده علوم قرآنی تهران.
۵. ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۷۵ش)، *مقدمه‌ای بر تاریخ سیاسی اجتماعی شمال آفریقا از آغاز تا ظهور عثمانی‌ها*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. نکونام، جعفر (۱۳۸۲ش)، *پژوهشی در مصحف امام علی (ع)*، رشت، کتاب مبین.



### منابع عربی

٧. ابن اثیر، علی بن ابی الکریم (١٣٨٥ق)، *الکامل فی التاریخ*. بیروت، دار الصادر.
٨. ابن جنی، عثمان (١٤٢١ق)، *سر صناعة الإعراب*. بیروت، دار الکتب العلمیة.
٩. ابن سعد، أبو عبد الله محمد (١٤١٠ق)، *الطبقات الكبرى*. بیروت، دار الکتب العلمیة.
١٠. ابن منظور، محمد بن مکرم (١٤١٤ق)، *لسان العرب*، بیروت، دار الصادر.
١١. ابن انباری، محمد بن قاسم (١٣٩٠ق)، *إيضاح الوقف والابتداء*، دمشق، مطبوعات مجمع اللغة العربیة.
١٢. ابوالطیب لغوی، عبد الواحد بن علی (١٩٥٥م)، *مراتب النحویین*، القاهرة، مكتبة نهضة.
١٣. ابوزیتحار، أحمد محمد (١٤٣٠ق)، *السبيل إلى ضبط كلمات التنزيل*، الكويت، وزارة الأوقاف.
١٤. امرئ القیس، بن حجر بن الحارث کندي (١٤٢٥ق)، *ديوان امرئ القيس*، بیروت، دار المعرفة.
١٥. انباری، عبد الرحمن بن محمد (١٤٠٥ق)، *نزهة الأدباء في طبقات الأدباء*، الأردن، مكتبة المنار، الزرقاء.
١٦. اندلسی، ابن عطية (١٤٢٢ق)، *المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
١٧. انیس، ابراهيم (١٩٩٥م)، *الأصوات اللغوية*، القاهرة، مكتبة الانجلو المصرية.
١٨. بشر، کمال محمد (١٩٨٦م)، *دراسات في علم اللغة*، القاهرة، دار المعارف.
١٩. بوعصب، مبارک (٢٠١٦م)، *المصاحف القرآنية المخطوطة وعلاقتها بتطور الخط المغربي، القنيطرة- المملكة المغربية، المركز الجهوي لمهن التربية والتكوين*.
٢٠. جرمی، ابراهيم محمد (١٤٢٢ق)، *معجم علوم القرآن*، دمشق، دار القلم.
٢١. حموی، یاقوت (١٩٥٧م)، *معجم البلدان*، بیروت، دار صادر.
٢٢. خراز، محمد بن محمد (١٤٢٧ق)، *مورد الظمان في رسم احرف القرآن*، اسماعيلية (مصر)، مكتبة الامام البخاری.
٢٣. خطیب بغدادی، احمد بن علی (١٤٢٢ق)، *تاریخ مدینة السلام وأخبار محدثيها وذكر قطانها العلماء من غير أهلها ووارديها (معروف به تاريخ بغداد)*، بیروت، دار الغرب الإسلامی.
٢٤. دانی، عثمان بن سعید (١٤٠٧ق)، *المحكم في نقط المصاحف*، دمشق، دارالفکر.
٢٥. ----- (بی تا)، *كتاب النقط*، القاهرة، مكتبة الكليات الأزهرية، بی نا.
٢٦. زنجانی، ابو عبدالله (١٤٠٤ق)، *تاریخ القرآن*، تهران، منظمة الاعلام الاسلامی.

## تحليل انتقادی مبانی و قواعد ضبط المصاحف در جهان اسلام

٢٧. سجستانی، ابوبکر بن ابی داود (١٤٢٣ق)، *كتاب المصاحف*، القاهرة، الفاروق الحديثه للطباعة والنشر.
٢٨. سيرافی، حسن بن عبدالله (١٣٧٣ق)، *أخبار النحويين البصريين*، مصر، مصطفى البابي الحلبي.
٢٩. سيوطی، جلال الدين (١٤٢١ق)، *الإتقان في علوم القرآن*، بيروت، دار الكتاب العربي.
٣٠. شاهين، عبدالصبور (١٩٦٦م)، *القراءات القرآنية في ضوء علم اللغة الحديث*، القاهرة، مكتبة الخانجي.
٣١. شرتونی، رشيد (١٤٠٣ق)، *أقرب الموارد*، قم، منشورات مكتبة المرعشي النجفي،
٣٢. شلبي، هند (١٩٨٣م)، *القراءات بإفريقية من الفتح إلى منتصف القرن الخامس الهجري*، القاهرة، دار العربية للكتاب.
٣٢. طبري، محمد بن جرير (١٤٠٧ق)، *تاريخ الأمم والملوك*، بيروت، دار الكتب العلمية.
٣٣. عقيلي، اسماعيل بن ظافر (١٤٢٩ق)، *المختصر في مرسوم المصحف الكريم*، عمان، دار عمان.
٣٤. عمار، منجي (١٤٣١ق)، *دراسات، الخط الكوفي القيرواني في مصحف الحاضنة* (مجلة حروف عربية) دبي، ندوة الثقافة والعلوم، ش ٢٦.
٣٥. فراهيدي، خليل بن احمد (١٤١٠ق)، *كتاب العين*، قم، نشر هجرت.
٣٦. قادوسي، عبد الرزاق بن حمودة (١٤٣١ق)، *أثر القراءات القرآنية في الصناعة المعجمية تاج العروس نموذجاً*، رسالة دكتوراه كلية الآداب، قسم اللغة العربية، مصر، جامعة حلوان.
٣٧. قدوري الحمد، غانم (١٤٢٥ق)، *رسم المصحف: دراسة لغوية تاريخية*، عمان، دار عمار للنشر والتوزيع.
٣٨. ----- (١٤٣٣ق)، *الميسر في علم رسم المصحف وضبطه*، جده، معهد الإمام الشاطبي.
٣٩. قلقشندي، أحمد بن علي (١٩٨٧م)، *صبح الأعشى في صناعة الإنشا*، دمشق، دار الفكر.
٤٠. الكرملی، آنستاس ماری (١٩٢٦م)، *لغة العرب العراقية - مجلة شهرية أدبية علمية تاريخية*، بغداد، مطبعة الآداب.
٤١. مارغني، إبراهيم بن أحمد (١٤٢٦ق)، *دليل الحيران على مورد الظمان*، القاهرة، دار الحديث.
٤٢. *مصحف الأزهر الشريف*، بخط مصطفى نظيف (١٣٤٢ق)، القاهرة، مطبعة الأنوار المحمدية.
٤٣. *مصحف الجماهيرية*، بخط ابوبكر ساسي المغربي (١٣٩٩ق)، طرابلس، جمعية الدعوة الإسلامية العالمية.

٤٤. *مصحف الجمهورية العراقية*، بخط حافظ محمد أمين الرشدي (١٤٠١ق)، عراق، وزارة الأوقاف والشؤون الدينية.

٤٥. *مصحف المحمدية*، بخط محمد المعلمي (٢٠١٩م)، نمسا، مؤسسة محمد السادس لنشر القرآن الكريم.

٤٦. *مصحف المدينة المنورة*، بخط عثمان طه (١٤٢٩ق)، المملكة السعودية، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.

٤٧. *مصحف پاکستان (قرآن مجید)*، کاتب نامعلوم (١٩٩١م)، چاپ لاهور، کراچی، تاج کامپنی لمپید.

٤٨. *مصحف القاهرة*، بخط نسخ (حروفچینی شده به صورت دستی)، (١٩٢٤م)، القاهرة، المطبعة الأميرية.

٤٩. *مصحف نیریزی*، بخط احمد نیریزی (١٣٩٥ش)، تهران، نشر آیین دانش.

منابع لاتین

50. Altikulaç, T. (2007). "*Osman'a Nisbet Edilen Mushaf- I Şerîf (Türk ve İslâm Eserleri Müzesi Nüshası)*". Istanbul (Turkey). İslam Araştırmaları

Merkezi (İSAM).

51. Browne, E. G, (2008 ). "*A hand-list of the Muḥammadan manuscripts. including all those written in the Arabic character, preserved in the library of the University of Cambridge contributor*". Britain. University of Cambridge.

52. *Manuscript "MS Add.1131"*. Britain. University of Cambridge.

53. *Manuscript "Arabe 326"*. Paris. Bibliothèque Nationale.

54. *Manuscript "Arabe 433"*. Paris. Bibliothèque Nationale.

55. *Manuscript "Arabe 475"*. Paris. Bibliothèque Nationale.

56. *Manuscript "Arabe 6140a"*. Paris. Bibliothèque Nationale.

57. *Manuscript "Cod.arab.1"*. Munich. Bavarian state library.

58. *Manuscript "Cod.arab.2603"*. Munich. Bavarian state library.

59. *Manuscript "Cod: 6812"*. Usa. Library of Congress.

60. *Manuscript "Ms 0344"*. Paris. Bibliothèque Nationale.

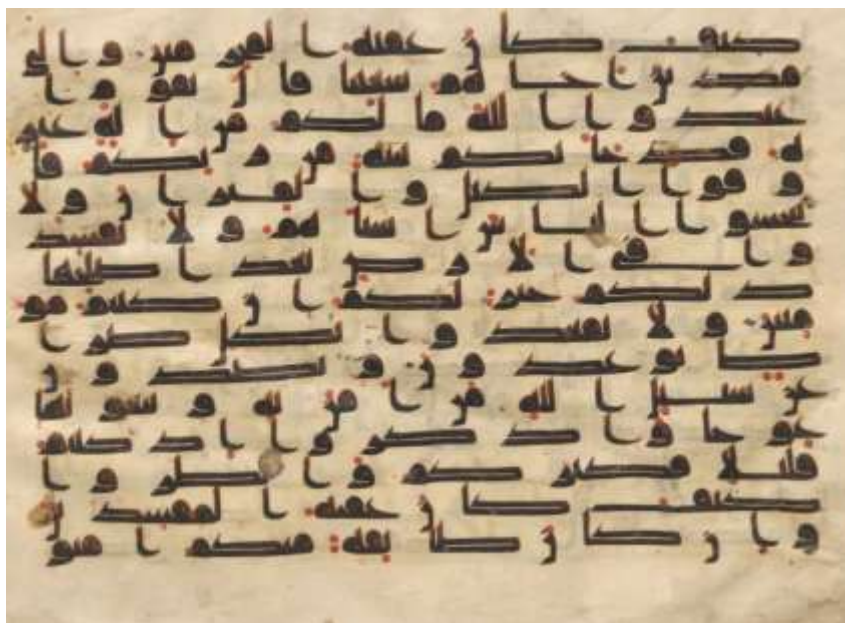
61. *Manuscript "Ms. or. fol. 379"*. Berlin. Staatsbibliothek.

62. **Manuscript "Wetzstein II 1922 (Ahlwardt 317)".** Berlin, Staatsbibliothek.

وبسایتهای

1. [islamic-awareness.org](http://islamic-awareness.org)
2. [Corpuscoranicum.de](http://corpuscoranicum.de)
3. [Viewer.cbl.ie](http://viewer.cbl.ie)

شکل‌ها و جدول‌ها



شکل ۱: مصحف به خط کوفی با نام «Wetzstein II 1922»، کتابخانه برلین

<https://corpuscoranicum.de/handschriften/index/sure/7/vers/87?handschri>

(ft=443)



شکل (۲): مصحف به خط کوفی با نام «مصحف ابن بواب»، برگ ۶.

[https://viewer.cbl.ie/viewer/image/Is\\_1431/18](https://viewer.cbl.ie/viewer/image/Is_1431/18)

تحلیل انتقادی مبانی و قواعد ضبط المصاحف در جهان اسلام





جدول (۱)

شماره	تصویر مصحف	سوره/آیه	توضیحات
۱		مَوَاطِنَ كَثِيرَةً (توبه: ۲۵)	بخشی از مصحفی با خط حجازی، متعلق به قبل از سده سوم هجری (-islamic awareness.org/quran/text/mss/arabe6140a.html). تحت الحفظ با نام Arabe 6140 در کتابخانه ملی فرانسه.
۲		اللَّهُ يَعْلَمُ (منافقون: ۱)	بخشی از مصحفی با خط کوفی، متعلق به حدود قرن چهارم و پنجم هجری، که با نام Arabe 326 در کتابخانه ملی فرانسه نگهداری می‌شود.

جدول (۲)

شماره	تصویر مصحف	سوره/آیه	توضیحات
۱		غافر: ۲۱	مصحف منسوب به عثمان ( Altikulaç, Osman'a ) Nisbet Edilen Mushaf- I (Şerif, 2007: 337b)
۲		اعراف: ۱۳ ۱	مصحفی به خط کوفی تحت الحفظ با نام (Ms. or. fol. 379) در کتابخانه برلین


جدول (۳)

تصویر ۴	تصویر ۳	تصویر ۲	تصویر ۱	ردیف
				۱

جدول (۴)

توضیحات	سوره/آیه	تصویر مصحف	ردیف
مصحفی منسوب به امام علی (ع) به خط کوفی مشرقی مربوط به قرن ۵ هجری، با نام (Cod.arab.2603) تحت الحفظ در کتابخانه دانشگاه مونیخ.	نمل: ۶۲		۱
مصحف مشهور «الحاضنه» به خط کوفی ریحانی، کتابت شده در ۱۰۴۱ق، تحت الحفظ با نام (Inv.no. 25) در موزه کپنهاگ که در آن رأس علامت کسره به سمت چپ می‌باشد.	انعام: ۴۱		۲
مصحفی به خط مغربی کتابت شده در ۶۲۴ق، تحت الحفظ با نام (Cod.arab.1) در کتابخانه دانشگاه مونیخ که علامت کسره در آن به صورت افقی آمده.	بقره: ۲۲۸		۳
مصحفی به خط کوفی مربوط به حدود قرن ۶ تا ۸ هجری، محفوظ در کتابخانه کنگره آمریکا به شماره ۶۸۱۲ که در آن علامت کسره به صورت عمودی ضبط شده است.	فاتحه: ۳		۴

جدول (۵)

توضیحات	سوره/آیه	تصویر مصحف	ردیف
مصحفی به خط کوفی مغربی مربوط به قرن ۴ هجری، با نام (Add.1131) تحت الحفظ در کتابخانه دانشگاه کمبریج (Browne, A hand-list of the Muhammadan manuscripts, 2008: 146).	نحل: ۳۲		۱
مصحفی به خط مغربی قیروانی مربوط به قرن ۴ یا ۵ هجری، با نام (Add.1144) تحت الحفظ در کتابخانه دانشگاه کمبریج (The previous, 148).	لقمان: ۱۲		۲

جدول (۶)

توضیحات	تنوین ضمّه	تنوین کسره	تنوین فتحه	ردیف
تنوین های سه گانه مطابق با ضبط نوع اول. برگرفته از نسخه ای مغربی تحت الحفظ با نام (ms 0344) در کتابخانه ملی فرانسه.				۱
تنوین های سه گانه مطابق با ضبط نوع دوم. برگرفته از مصحف محمدیه کتابت شده به خط مغاربه (۲۰۱۹م).				۲



جدول (۷)

توضیحات	سوره/آیه	تصویر مصحف	ردیف
مصحفی به خط نسخ، تحت الحفظ با نام (Arabe 475) کتابخانه ملی فرانسه.	یونس: ۴		۱
مصحفی به خط نسخ، چاپ شده در تونس.	بقره: ۱۵۸		۲
مصحفی به خط نسخ، تحت الحفظ با نام (Arabe 433) کتابخانه ملی فرانسه.	یس: ۱۰		۳

جدول (۸)

توضیحات	سوره/آیه	تصویر مصحف	ردیف
مصحفی به خط مغاربه، چاپ شده در سال ۱۹۳۱م - الجزائر.	مریم: ۱		۱
مصحفی به خط نسخ، چاپ شده در تونس.	مریم: ۱		۲

جدول (۹)

توضیحات	حالت مرفوع	حالت مکسور	حالت مفتوح	ردیف
نمونه‌هایی از مصحف هندی-پاکستانی، چاپ شده در سال ۱۹۹۱م در لاهور.				۱
نمونه‌هایی از مصحف ترک، به خط حافظ رشدی کاتب ترک، چاپ شده در عراق به سال ۱۴۰۱ق.				۲

تحلیل انتقادی مبانی و قواعد ضبط المصاحف در جهان اسلام

ردیف	حالت مفتوح	حالت مکسور	حالت مرفوع	توضیحات
۳	رَاجِعُونَ	الْحَكِيمُ	يُنْصَرُونَ	نمونه‌هایی از مصحف مصری (قاهره)، چاپ شده در سال ۱۹۲۴ق.
۴	أَفِيقَمَنَعًا	الْأَنْسَرِيَّةِ ۷۱	تَقُولُوا	نمونه‌هایی از مصحف الجزایر، چاپ شده در سال ۱۹۳۱م.
۵	الشِّمَالِ	بَصِيرًا	الْبُطُونِ	نمونه‌هایی از مصحف ایرانی (نیریزی)، چاپ شده در سال ۱۳۹۵ش.

جدول (۱۰)

ردیف	حالت مفتوح	حالت مکسور	حالت مرفوع
۱	تِجَارَتُهُمْ	عَظِيمًا	يَكْدِبُونَ